

فداکاری، درس و ... تشکر

چقدر در این فوتبال زوار در رفته ما فداکاری رخ می دهد.. چقدر در این فوتبال همه فداکارند، چقدر در این فوتبال ما درس نهفته است... چقدر در این فوتبال ما همه درس می دهند و مدرس هستند و چقدر در این فوتبال درس می گیریم و به اندوخته های خود اضافه می کنیم، خوشا به حال ما! وای به حال آنهایی که نه در ورزش و نه در فوتبالشان فداکاری هست و نه این همه درس ریخته فراوان و قابل استفاده.

داستان آخرین فداکاری در فوتبال ما همین رفت و برگشت ها در تیم سر راهی استان در لیگ دسته دوم است. بالاخره نفهمیدیم که این تیم صاحب دارد یا نه! اگر دارد چه کسی است؟ چگونه تیم را تصاحب کردند؟ چه دادند. و چه گرفتند؟ اسم تیم را چه گذاشتند؟ فلسفه این رفت و برگشت ها چیست؟ چه کسی در مورد آنها تصمیم می گیرد؟ مگر تصمیم گیری در مورد تیم به صورت تعاونی است؟ آنها که می برند و می دوزند پشتشان به کجا گرم است که چنین شتابان می روند و هر تصمیمی را به مورد اجراء می گذارند؟

چقدر در این فوتبال همه از هم تشکر می کنند، چقدر در این فوتبال همه قدردان و قدرشناس هستند. چقدر بساط تشکر و چاپلوسی در این روزها در فضای مجازی رونق دارد. بعضی ها ماموریت دارند که مدام از مهندس فوتبال تشکر کرده و او را مهندس ترین مهندس فوتبال ایران زمین قلمداد بکنند.

راستی چرا دیگر از مجید حیدری کسی تشکر نمی کند؟ آخه تا این اواخر بودند کسانی که از جرئت و شهامت و شجاعت او سخن می گفتند و به نوعی او را ناجی فوتبال می دانستند. حالا کجایند آن حضرات و در کدام سوراخ ها قائم شده اند؟

آری، به راستی چه زیباست! فداکاری، درس و تشکر. چی، نفهمیدم چه گفتی، بله آقا من اشتباه کردم تو درست می گویی، تا رد پای چند نفر در فوتبال ما نباشد فوتبال نابود می شود، رو به اضمحلال می گذارد، فوتبال محو می شود، فوتبال غرق در منجلاب می شود، درست است می گویی، دو دستی نه بلکه هزاران دستی باید این آقایان را بچسبیم و به جانشان دعا گو باشیم، آنها ناجی فوتبال اردبیل هستند، نباشند کار ما و فوتبال زاره زاره، سایه شان مستدام باد، آمین یا رب العالمین.